

سرنخ ناپدید شدن مرد معلول در اعترافات فتانه؛ زن شیشه‌ای

سرنخ‌های تیم جنایی در پرونده ناپدید شدن مرد معلول آنها را به یک زن شیشه‌ای رساند که مدعی است وی در جریان یک سرقت جان باخته است. به گزارش "مادران ودختران" به نقل از «ایران»، اواخر آذر امسال، زن میانسالی قدم در اداره آگاهی گذاشت و از ناپدید شدن پسر معلولش خبر داد. او زمانی که در مقابل افسر اداره چهارم پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفت، گفت: پسر 46 ساله‌ام به نام میلاد، معلول است و با ویلچر حرکت می‌کند. او صبح روز گذشته برای دستفروشی از خانه خارج شد و دیگر برنگشت. هر چه با تلفن همراهش تماس می‌گیرم، خاموش است. دوست و آشنا هم خبری از میلاد ندارند و احتمال می‌دهم برای او حادثه‌ای رخ داده باشد. با شکایت زن میانسال، کارآگاهان پلیس به دستور بازپرس محمدرضا صاحب جمعی تحقیقات برای یافتن میلاد را آغاز کردند.

نخستین مظنون

در حالی که تحقیقات ادامه داشت، کارآگاهان با تلفن همراه پسر گمشده تماس گرفتند و مشخص شد که تلفن در اختیار یک مرد افغان است که بلافاصله او بازداشت شد.

اما مرد افغانستانی مدعی شد که گوشی تلفن همراه را به مبلغ یک میلیون تومان از پسر جوانی به نام بابک خریده است. با مشخصاتی که وی از بابک داد مأموران هویت وی را به دست آورده و به سراغ این مرد معتاد موادفروش رفتند.

بابک در تحقیقات اظهارات عجیبی را مطرح کرد و گفت: گوشی را از فتانه گرفتم، او معتاد به شیشه است و چند روز قبل که برای خرید مواد به پاتوق ما در جنوب تهران آمده بود به جای پول شیشه این گوشی را به من داد. فتانه برایم تعریف کرد که گوشی متعلق به مرد معلولی به نام میلاد بوده است و مدتی قبل به همراه دو نفر از دوستانش میلاد را به باغی در ورامین کشانده بودند تا از او سرقت کنند. طبق گفته فتانه، آنها گوشی، پولها و مدارک میلاد را به سرقت بردند اما ناگهان حال میلاد بد شده و فتانه و هم‌دستانش با دیدن این صحنه، او را همان‌جا رها کرده و رفته‌اند.

بازداشت زن معتاد

با اطلاعاتی که بابک در اختیار مأموران قرار داد، تیم تحقیق به

سراغ فتانه رفته و [زن جوان](#) را بازداشت کردند. اما زن شیشه‌ای اظهاراتی متفاوتی از بابک را مطرح کرد: چندین سال قبل معتاد شدم. شوهرم وقتی متوجه اعتیادم شد خیلی تلاش کرد تا ترک کنم، اما بی فایده بود و در نهایت مرا طلاق داد. بعد از جدایی، بی خانمان و مجبور شدم از شهر محل زندگیم که در شمال کشور بود، راهی پایتخت شوم.

زن جوان ادامه داد: از زمانی که به تهران آمدم یا کارتن‌خوابی می‌کردم یا شبها را در پاتوق‌های مختلف می‌ماندم تا اینکه مدتی قبل با میلاد آشنا شدم. مدتی که از دوستی‌ام گذشته بودم، دو نفر از دوستانم پیشنهاد دادند میلاد را به باغی در ورامین دعوت کنم. من هم با میلاد به باغ رفتم اما دوستانم بدون آنکه به من بگویند، به سراغ میلاد رفته و گوشی تلفن همراه و مدارکش را سرقت کردند. در این میان حال میلاد بد شد و ما با اورژانس تماس گرفته و محل را ترک کردیم. میلاد حال خوبی نداشت و تصور می‌کنم که فوت کرده باشد. به دنبال اظهارات فتانه، بازپرس شعبه ششم دادرسی جنایی پایتخت دستور داد کارآگاهان جنایی به باغ مورد نظر بروند. از سویی از مرکز اورژانس تحقیق شود تا چنانچه در آن روز بیماری با مشخصات میلاد پذیرش کرده‌اند اطلاعات آن را به پلیس بدهند. همچنین از پلیس ورامین و شهرهای اطراف تهران نیز استعلام تا مشخص شود آیا جسدی با مشخصات میلاد کشف شده است.